

«فرهیختگان» از چرایی مخالفت با مذاکرات ایران با آمریکا گزارش می‌دهد

دلیل؟ تجربه

حسین بیاتانی دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر خود با جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مانند گذشته بر ممنوعیت مذاکره با آمریکا تأکید کردند. ایشان هرچند بارها بر تلخی تجربه مذاکره با آمریکا در گذشته نیز سخن گفته بودند، لکن این بار تأکید متفاوتی بر این امر داشتند و حتی آن را به‌صورت جدی مخالف هوشمندی، عقلانیت و شرافتمندی خواندند. لذا در این نوشته که در چند بخش جداگانه مدون شده است و این بخش ابتدایی آن خواهد بود، به‌طور بسیار خلاصه به طرح تجربه مذاکرات ایران با آمریکا در دوره‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی و همچنین ارائه نتیجه هر دوره از مذاکرات پرداخته خواهد شد.

■ ■ ■

اول

پس از فرار شاه از ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، ایالات متحده با وجود اختلافاتی که در میان سران مسئولش در جریان بود، بالاخره شاه را همراه چمدان‌های پول ایرانیان پذیرفت و در پاسخ آن با تسخیر سفارتخانه خود در ایران و گروگان‌گیری کارمندان سفارتخانه -که در میان آن‌ها مأموران کارکشته سی‌آی‌ای نیز دیده می‌شدند- مواجه شد. این موضوع برای آمریکا بسیار حیاتی و حیثیتی بود؛ لذا به‌دنبال مذاکره با ایران برآمد و در این میانه، از دولت الجزایر به‌عنوان میانجی میان ایران و آمریکا استفاده شد. نتیجه این میانجی‌گری آن شد که پس از رفت‌وآمدهای فراوان، بالاخره در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ۱۳۵۹) بیانیه‌های الجزایر امضا شدند.

دولت الجزایر در مقدمه بیانیه اول اعلام می‌کند که دو دولت تعهدات متقابلی را در این بیانیه ضمانت داده‌اند. در مقدمه بیانیه دوم نیز دولت الجزایر رسماً موافقت دولت‌های ایران و آمریکا به قرار مذکور در بیانیه را اعلام می‌کند. لذا بیانیه‌های الجزایر به انعقاد توافق بین‌المللی بین ایران و آمریکا منتهی شد و تعهدات حقوقی لازم‌الاجرائی را برای طرفین ایجاد کرد که مربوط به زمان خاصی نبود و با برخورداری از تداوم و اعتبار، طرفین همواره ملزم به آن تلقی می‌شدند. در این توافق، دولت ایران متعهد به آزادی گروگان‌ها شد و آمریکا نیز متعهد به عدم مداخله در امور ایران، استرداد دارایی‌های ایران، لغو تحریم‌های تجاری ایران، حل و فصل مدعای خود علیه ایران و برگشت دارایی‌های ایرانیان که توسط خانواده‌محمدرضایپهلوی بریده‌شده‌بود، کردید. نتیجه آن بود که تعهدات دولت ایران بر اساس بیانیه الجزایر انجام شد و گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در ایران پس از ۴۴۴ روز به پایان رسید. اما دولت آمریکا از پرداخت کامل مطالبات ایران خودداری کرد و عدم پایبندی خود به مفاد بیانیه‌های الجزایر و نیز قوانین بین‌المللی را نشان داد و به‌صورت کاملاً آشکار، در اجرای بیانیه‌های الجزایر کارشکنی کرد.

دوم

سال ۱۳۶۸ چنان‌دو مینی‌کو پی‌کو، معاون امور سیاسی دبیرکل وقت سازمان ملل برای مذاکره بر سر آزادی آمریکایی‌هایی که در لبنان اسیر شده بودند، وارد ایران شد. این جلسه محرمانه بود و ظرفیت به‌عنوان مترجم مذاکره انتخاب شد. پی‌کو در این جلسه به هاشمی گفته بود که «بوش تقاضا کرده به آزادی گروگان‌ها در بیروت کمک کنید و بدانید این کمک شما بدون اجر نمی‌ماند». هاشمی در جواب گفت که اگر ایالات متحده از ما انتظار همکاری دارد، باید سیاست خصمانه‌اش در قبال ایران را تغییر دهد. چیزی که توقع هاشمی از آمریکا بود، آن بود که در ازای کمک تهران به آزادسازی گروگان‌های غربی و آمریکایی در لبنان، «دارایی بلوکه‌شده ایران آزاد شود» و «غرامت خانواده‌ها بشود» در جریان سرنگونی هواپیمای مسافربری توسط ناو آمریکایی پرداخت شود. «

موسویان در کتاب خود به نام «ایران و ایالات متحده» این‌گونه می‌نویسد که «هاشمی رفسنجانی بر این باور بود که حسن نیت در برابر حسن نیت [حسن نیت ایران در برابر حسن نیت آمریکا] می‌تواند به صلحی دائم با ایالات متحده

وقوع تیراندازی مرگبار در سوئد چه پیامی دارد؟

دولت رفاه با چاشنی اسلحه!

وقوع حادثه مرگبار اخیر در سوئد (شهر اوربرو) شوک تازه‌ای را به جامعه این کشور اروپایی واقع در حوزه اسکاندیناوی وارد ساخته است. عامل مرگبارترین حمله مسلحانه تاریخ سوئد در روز سه‌شنبه ۴ فوریه، فردی ۳۵ ساله به نام ریکارد اندرسون معرفی شده است. در جریان تیراندازی در این مرکز آموزشی، بیش از ۱۰ نفر کشته و شماری هم زخمی شدند که اندرسون نیز در میان کشته‌شدگان است. به عبارت بهتر، وی پس از کشتار گسترده با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داده است. روایتگری پلیس درباره مهاجم مسلح در این خصوص قابل‌توجه است. پلیس سوئد بدون آنکه هویت مهاجم را تأیید کند، اعلام کرد عامل تیراندازی در مدرسه کامپوس ریسپرگسکا احتمالاً به‌تنهایی این عمل را انجام داده است. پلیس سوئد با اعلام اینکه انگیزه مهاجم هنوز برای نیروهای امنیتی این کشور نامشخص است، تصریح کرد عامل تیراندازی در مدرسه ریسپرگسکا تا پیش از تیراندازی فردی سابقه‌دار و شناخته‌شده برای پلیس سوئد نبوده است.

■ ■ ■

تمرکززدایی پلیس سوئد از دغدغه اصلی

واقعیت امر این است که پلیس سوئد تلاشی می‌کند این واقعه را معطوف به ویژگی‌های فردی و اختلافات روانی فرد مهاجم تجزیه و تحلیل کرده و از تمرکز بر موضوعاتی مانند تشدید خشونت اجتماعی در این کشور اروپایی و تقویت جریان‌های ملی‌گرای افراطی در اسکاندیناوی خودداری کند. همچنین پلیس سوئد هرگز به این سؤال اساسی پاسخ ندهاده که نقش دولت و نهادهای امنیتی این کشور در آزادسازی حمل اسلحه در بسیاری از نقاط این کشور اروپایی چه نقشی در تشدید منازعات داخلی و خشونت‌های پایدار داشته است. هدف پلیس و نهادهای اطلاعاتی سوئد، تمرکززدایی از مأمیت و ریشه‌یابی واقعه اخیر و دهم‌ا واقعه دیگری است که در سطوحی نازل‌تر در این کشور اروپایی رخ می‌دهد.

اگرچه ساختار اقتصادی سوئد و کشورهای حوزه اسکاندیناوی بر مبنای دولت رفاه شکل گرفته، تشدید خشونت‌های اجتماعی در این کشور اروپایی نشان می‌دهد خروجی این ساختار، خود را در مهار بحران‌های عمومی در سوئد نشان نداده است. روند تصاعدی خشونت‌های عمومی و اجتماعی در سوئد، بیانگر عمق فاجعه و بحرانی است که به‌واسطه سیاستگذاری‌های افراط‌گرایانه دولت و سازمان اطلاعاتی این کشور رخ داده و روز به روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود.

منجر شود. اما آیت‌الله خامنه‌ای عمیقاً نسبت به نیت واقعی آمریکا بدبین بود و در خصوص اعتماد ساده‌لوحانه داشتن انتظار عکس‌العمل مناسب در برابر تلاش‌های ایران جهت آزادسازی گروگان‌ها هشدار می‌داد. «ام‌ا عمل‌حسن نیت ابتدا از سوی ایران شروع شد و در ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ با وساطت ایران آخرین گروگان هم آزاد شد و بوش در مقابل تنها تشکر کرد و گفت «بار سنگینی از روی دوش من برداشته شد.»ادر نتیجه ریحارد هاس، عضو وقت شورای امنیت ملی آمریکا گفت «وقتی می‌گویم حسن نیت، حسن نیت می‌آورد، به این معنا نیست که اگر گروگان‌ها آزاد شوند، پاسخ مطلوبی می‌دهیم!» اسکوکرافت، مشاور امنیت ملی دولت وقت آمریکا در فروردین ۱۳۷۱ رسماً به پی‌کو اعلام کرد که هیچ اقدام متقابلی در هیچ فرصت نزدیکی برای ایران انجام نخواهد شد! پی‌کو نیز با شرمندگی، خرداد همان سال از سمت خود استعفا داد. به بیان دیگر در این ماجراجویی‌جمهور آمریکا، هم دکوتیار (دبیرکل وقت‌سازمان ملل) و هم هاشمی رفسنجانی را دور زد. گروگان‌های غربی آزاد شدند ولی اموال ایران در گروگان آمریکا باقی ماند. اضافه بر این، تهران نیز از سوی واشنگتن مسئول اصلی بحران گروگان‌گیری در لبنان معرفی شد! در حقیقت این مسئله نه تنها به نفع ایران خاتمه نیافت، بلکه ایران را هم نسبت به مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان محکوم کرد.

سوم

در سال ۱۳۷۶ سیدمحمد خاتمی با شعار آزادی، جامعه مدنی و قانونمندی رئیس‌جمهور ایران شد. وی تفسیری مصالحه‌جویانه از اسلام داشت و از ابتدا به‌دنبال تنش‌زدایی با آمریکا برآمد. در این دوره بیل کلینتون، همسر همان هیلاری کلینتونی که می‌شناسید، رئیس‌جمهور ایالات متحده بود. خاتمی ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کرد و گفت «هیچ چیز نباید از گفت‌وگو و درک متقابل دو ملت جلوگیری کند. دیوار بلند بی‌اعتمادی بین ما و ایالات متحده وجود دارد که باید در آن شکافی ایجاد کنیم و برای تغییر آماده شویم.» در دوره مشترک کلینتون و خاتمی، کلینتون طی پیامی این مسئله را پذیرفت که ایران از سوی دولت‌های غربی مورد آزار قرار گرفته است و حق عصبانی بودن از این‌همه آزار و آزار را به ایرانیان داد. پس از این، وزارت امور خارجه وقت و شورای روابط خارجی به‌همراه حسن روحانی بسته‌ای جامع از تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا را جهت پیشنهاد به رهبر معظم انقلاب فراهم کردند. اما کلینتون در ادامه از طریق دولت عمان نامه‌ای برای خاتمی ارسال کرد که در آن خاتمی را با لحنی دوستانه خطاب کرده بود ولی سپاه پاسداران را به‌خاطر



بمب‌گذاری در عربستان محکوم کرده بود. به‌عبارتی این نامه با هدف ایجاد شکاف میان دولت و سپاه طراحی شده بود. در آن دوران هم ایران با سازمان منافقین درگیر شورش‌های داخلی بود و این نامه می‌توانست شکاف داخلی را تشدید کند! لذا نیویورک تایمز در مقاله خود نوشت که دولت آمریکا علاقه‌مند تجدید روابط با ایران است ولی در کنگره احساسات ضدایرانی شدیدی وجود دارد که مانع از این رفتار می‌شود.

چهارم

پس از کلینتون، جرج بوش در آمریکا رأس کار آمد و کالین پاول در جلسه استماع کنگره اعلام کرد که لازم نیست اختلافات بسیار ما با ایران، از مذاکرات و روابط تجاری ما با این کشور جلوگیری کند. این در حالی بود که پیش از بوش پسر، مذاکراتی میان ایران و آمریکا تحت عنوان ۶+۲ و همکاری گسترده‌ای با آمریکا در جنگ با افغانستان و سرنگونی طالبان و القاعده در جریان بود. این همکاری به کنتراپُن نئ منتهی شد که دولت افغانستان در آن مشخص شد. لذا همه چیز برای رویای برقراری ارتباط با آمریکا فراهم بود و مذاکرات در بُن داشت ادامه می‌یافت تا اینکه بوش ایران را در محور شرارت قرار داد و دولت خاتمی در شوک فرو رفت. طبق چیزی که موسویان از حس دولت در آن برمه نسبت به آمریکا می‌گوید، اعضای دولت به کرات از واژه «نمک‌شناس» برای نام بردن از بوش استفاده می‌کردند! این در حالی بود که رهبر انقلاب بارها بر ممنوعیت مذاکره با آمریکا سخن گفته بودند.

اتفاقی که در این برهه رخ داد، تلاش موفق ایران و آمریکا در نابودی دشمن مشترک بود، نه چیزی بیشتر و هنگامی که بنا بود همکاری به سایر بخش‌ها تسری یابد، ناگهان آمریکا از ایران برانت جست!

پنجم

مرداد ۱۳۸۱ بود که تأسیسات غنی‌سازی هسته‌ای ایران افشا شد و البرادعی با بازدید از تأسیسات ایران اعلام کرد که ایران به جمع کشورهای دارای فناوری تولید سوخت اتمی پیوسته است. لذا آژانس به‌همراه سه کشور اروپایی از ایران خواستند که غنی‌سازی را متوقف کنند. در امتداد همین درخواست، ایران اعلام کرد که به‌دنبال تولید بمب اتم نیست و برای همین در مهر ۱۳۸۲ توافقی در ایران به نام سعدآباد با آلمان، انگلیس و فرانسه امضا شد. طبق مفاد این قرارداد، ایران فوطلبانه و موقت غنی‌سازی اورانیوم خود را تعلیق کرد و سه کشور اروپایی پذیرفتند که حق ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را طبق آن بی‌پایه‌برسمیت بشناسند. این

اروپا نگران آینده است

فن در لاین ومعمای آمریکای ترامپ

در هفته‌های اخیر مقامات اروپایی در ابراز نگرانی در قبال «آمریکای ترامپ» از یکدیگر سبقت گرفت‌اند. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در موضوعی که بسیار آشنا و تکراری به نظر می‌آید، خواستار استقلال راهبردی اروپا از آن سوی آتلانتیک شده و اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نیز در هفته‌های پایانی خود در مسند قدرت، نسبت به مداخله‌گرایی مستمر ایلان ماسک و دیگر اعضای تیم رئیس‌جمهور جدید آمریکا در انتخابات سراسری آلمان (به سود حزب ملی‌گرای افراطی جایگزینی برای آلمان) ابراز نارضایتی می‌کند.

سخنان خاص فن در لاین

در این میان، سخنان رئیس کمیسیون اروپا مورد توجه بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته است. وروزولا فن در لاین پس از سوگند ترامپ و حضور رسمی وی در مسند ریاست‌جمهوری اظهار کرده است: «چیزهای زیادی در روابط اتحادیه اروپا و آمریکا به خطر افتاده است. اگرچه اتحادیه اروپا نگرشی «عملگرایانه» نسبت به دولت دونالد ترامپ خواهد داشت و قصد دارد در چهار سسال آینده با واشنگتن تعامل داشته باشد، اما همیشه نیز آماده دفاع از منافع استراتژیک خود در برابر هر اقدام غیرموجهی خواهد بود.»

به راستی منظور فن در لاین از «نگرش عملگرایانه اروپا» نسبت به آمریکا چیست؟ نباید فراموش کرد که بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی، زمانی که ترامپ دور اول ریاست‌جمهوری خود را سپری می‌کرد، فن در لاین یکی از سیاستمداران اروپایی طرفدار «آتلانتیسم مکر محور» بود؛ به این معنا که اروپاییان باید اصل وابستگی به آمریکا را در سیاست خارجی و حتی تجارت بین‌الملل مدنظر قرار داده و حتی در صورت تعارض منافع خود با واشنگتن از هرگونه اقدامی که منجر به تشدید تنش‌ها میان دو سوی آتلانتیک شود، پرهیز کنند. علاوه بر آن، فن در لاین مخالف ایده‌ها و ساختارسازی‌های نوین مانند «ایجاد ارتش واحد اروپایی» بود. فن در لاین اساساً در ذهنیت و پیش‌فرض‌های انتزاعی خودنیز جدایی اروپا از آمریکا را نمی‌پذیرد. بنابراین عملگرایی مدنظر فن در لاین، معطوف به مدیریت اختلافات و روبرویی با واشنگتن در عین تسلیه‌پذیری در برابر منازعات زیربنایی و ساختاری با آمریکاست.

رمزگشایی از نگرانی فن در لاین

امسا در این خصوص می‌توان مواضع فن در لاین را از منظری دیگر نیز مورد

نکته را نیز باید دانست که مسئول این مذاکرات، حسن روحانی بود.

چهار ماه بعد توافق بروکسل امضا شد که موجب محکم‌تر شدن توافق سعدآباد شد و طی آن کشورهای اروپایی قول دادند که برای عادی‌سازی پرونده ایران در جلسه شورای حکام تلاش کنند و به تهران برای ساخت تأسیسات برقی آب سبک کمک کنند. این موضوع هم با توافق پاریس دنبال شد. در آن دوره حس پیروزی بر ایران حادث شده بود؛ چراکه سه کشور اروپایی حقوق اورا به رسمیت شناخته بودند و این در ظاهر بسیار مهم بود. اروپایی‌ها در ادامه این مذاکرات قصد داشتند که این تعلیق موقتی را تبدیل به تعلیق دائمی کنند.

در طول مذاکرات، از سوی ایران بسته پیشنهادی جدیدی مطرح شد که شامل ابعاد بسیاری از حوزه تجاری گرفته تا امنیتی می‌شد و ایران در ازای تعهداتی که می‌داد، خواستار تعهد اتحادیه اروپا به ساخت نیروگاه برقی در کشور و ارائه تضمین برای تأمین سوخت هسته‌ای راکتورها و دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا شد. اروپایی‌ها علاقه‌ای به پیشنهاد ایران نشان ندادند و تلاش کردند فعالیت‌های غنی‌سازی ایران را به‌طور دائم پایان دهند.

در ادامه حسن روحانی طی نامه‌ای پیشنهاد داد که به آژانس اجازه داده شود تدارکات بهینه بر روی تعداد، مکانیسم تعمیرات و دیگر جزئیات از نظنز تا حدی که نیازها را برطرف کند و نگرانی‌ها را از بین ببرد، داده شود. این پیشنهادات سرانجام توسط اروپا شنیده نشد و در عوض پیشنهادهایی مبهم به‌همراه درخواست‌های سنگین به تهران ارائه شد. این پیشنهادها حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم را هم به رسمیت نمی‌شناخت و پیشنهاد تعلیق ده سال فعالیت‌های مرتبط با سوخت هسته‌ای را مطرح کرد که در نهایت ایران این بسته را توهین‌آمیز تلقی کرد. هم‌زمان با این مذاکرات، اروپایی‌ها دورنمای حمله اتمی به ایران را نیز ارائه می‌دادند که طبیعتاً ادامه روند این مذاکرات شرافت‌نمندانه نبود!

ششم

برجام نام‌آشنایی است که امروز هر ایرانی آن را شنیده است. با روی کار آمدن حسن روحانی، دولت تلاش کرد تا همه چیز از جمله آب آشامیدنی مردم را به تحریم‌ها گره بزند؛ لذا با اسلوب اعتدال، این بار در سیاست خارجی، کفه ترازوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به نفع اروپا و آمریکا سنگین کرد. نتیجه آن شد که در ۲۳ گر ۹۴ توافق وین به ثمر رسید و ایران اورانیوم غنی‌شده متوسط خودش را پاک‌سازی کرد و تعداد سانتر فنیفرهای خود را به مدت ۱۵ سال به دوسوم کاهش داد. از سوی دیگر، در نتیجه این توافق، ایران از تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و تحریم‌های ثانویه ایالات متحده بیرون می‌آمد. اما پاسخی که ایران از سوی آمریکا دریافت کرد، آن بود که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از برجام خارج شد و تحریم‌ها مانند گذشته به ایران بازگشت. البته این به معنای آن نبود که آمریکا تمام شروط برجام را پیش از این پذیرفته بود. در حقیقت این دوره نیز مانند مذاکرات پیشین، ایران اقداماتی را جهت اثبات حسن نیت انجام داد که آمریکا در برابر آن هیچ اقدامی نکرد و در نهایت ترامپ رسماً خروج آمریکا از برجام را با پاره کردن آن نشان داد. همه این موارد بخش کوچک و خلاصه‌ای از تلاش‌ها جهت ابراز حسن نیت نسبت به آمریکا و امید به دست او جهت بازگشایی گره تحریم‌های اقتصادی بوده است. لذا با این تفاسیر کاملاً مشخص است که مذاکره با این کشور و ایادی آن را نمی‌توان در حیطه عقلانیت و شرافت دانست. از طرفی با منطق هزینه و فایده نیز اگر به مسئله نگاه شود، این مسئله درک خواهد شد که محلاً مذاکره با آمریکانمی‌تواند عقلانی باشد، چراکه هیچ منطقی ضمانت فیزیکی (از بین بردن تأسیسات هسته‌ای و از بین بردن تأسیسات موشکی و نظامی ...) را در برابر ضمانت غیرفیزیکی (فشار دادن کمه لغو تحریم) تأیید نمی‌کند. چراکه ضمانتی که طرف مقابل می‌خواهد، متضمن هزینه‌های بسیاری از سمت کشور است، ولی اقدامی که خودش انجام خواهد داد، هیچ هزینه‌ای را برایش به همراه نمی‌آورد. سرانجام باید نشست و دید تا چه زمان بیروان مکتب غرب در کشور با غفلت از ظرفیت‌های داخلی و فرصت‌سوزی به‌دنبال کشف سرزمین‌های ناشناخته حوزه مذاکرات خواهند بود.



سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳



شماره ۴۳۵۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

